

حسن هنرمندی هم رفت

بمون تپوری

سراینده و مترجم 74 ساله مازندرانی به پیشواز مرگ شتافت. چند قرص خواب آور را با کنیاک درهم آمیخت و نوشابه مرگ را سر کشید. سال های درازی را با نداری سر کرد. بیشتر در پاریس زیست و در همین شهر چشم فرو بست . می توان دکتر هنرمندی را دانشور گوشه گیری شمرد که همواره به نیستی می اندیشید. افسوس که این دیدگاه پرمایگان را به تنهایی، مردم گریزی، بد بینی و بدتر از همه، ناتوانی مالی کشاند و می کشاند. به هر رو، هنرمندی نیز مانای «هدایت» به مرگ رسید. فراموش نکنیم که وی به اندازه توان برای گسترش ادب کوشید. کارنامه او نیز درخشش ویژه ای دارد. پاره ای از خیالش را سرود. باورهایش را در چند کتاب و گزارش آورد. چند نوشته ارزنده فرانسوی را به فارسی گردانید و

چاپ نشده هایش نیز اندک نیست . گرچه در زندگی و کار فرهنگی تک رو بود اما آلوده مال و جاه نگشت . با نداری ساخت ولی بازیچه دربار و دستگاه شاه و شیخ نشد. هنرمندی را یکه سواری بشناسیم که خود را به خاک افکند تا بد زمانه سر به زیرش نسازد . از پارهای پیر تا امروز شب زده، نام و نشان جان باختگان ادب و هنر مازندرانی سوسو می زند. تا فرمانروایان نامردمی و سر سپردگانشان بر فراموشخانه نیافزودند، دستی برآریم و موزه مردم مازندران را پی ریزیم . نام و کارنامه ها را شایسته نمایش دهیم و داوری را به بیننده واگذاریم . سزا است که تنواره حسن هنرمندی (زاده ساری 1928 - خودکشی در پاریس 2002) را در غرفه هزاره سوم برافزاییم .

پی گمان همسایگی « اوصیاء » دادخواه (بابل 1932 - پاریس 1993) و « هنرمندی » غیر متعهد، دیدنی خواهد بود . شاید پژوهنده تیزبینی را برانگیزاند که دو دوره ولایت گردانی اسلامی (صفویان؛ جمهوری فقها) را بکاود. از خیل رانده شدگان و گریختگان مازندرانی، چند تن در هند و فرانسه جان سپردند؟! یاد فرهیختگان مردم دوست فروزنده باد.

2002-9-27